



## حمایت‌های نظام حقوقی ایران در قبال تغییر جنسیت با رویکرد ارتقاء سلامت

سونیا علیزاده سامع

مدرس گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران (نویسنده مسئول)

[Sonya.alizadeh@yahoo.com](mailto:Sonya.alizadeh@yahoo.com)

عزیزه روحی عیسی‌لو

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

[Azizeruhi@gmail.com](mailto:Azizeruhi@gmail.com)

### چکیده

افراد تراجنسیتی، به سبب هویت جنسیتی نادر خود، در معرض نابرابری‌های اجتماعی و حقوقی‌اند، از مهم‌ترین حقوق بشری که این افراد در دسترسی بدان در مضیقه‌اند منع تبعیض، حفظ حریم خصوصی و دسترسی به بالاترین سطح سلامت است. حقوق مذکور، در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی کشورهای متمدن، مورد توجه واقع شده است. اسناد بین‌المللی در این زمینه، هویت جنسیتی را، مبنایی مستقل برای حمایت در مقابل تبعیض می‌داند و از حق بر حریم خصوصی و دسترسی به سلامت، به صراحت حمایت می‌کند. در حقوق ایران هیچ قانونی به صراحت از حقوق این افراد حمایت نمی‌کند. خلأ قانون حمایتی در حقوق ایران موجب شده است که این قشر از جامعه طرد شوند و نیاز توجه قانون‌گذار به این افراد، کاملاً احساس شود. راه‌حل ابتدایی در حمایت از این افراد، تفسیر اصول قانون اساسی در حمایت از حقوق مسلم افراد است، ولی نیاز به تصویب قانون خاص و بیان ابعاد مختلف حقوق این افراد کاملاً احساس می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** تراجنسیتی، حمایت، مشروعیت، ارتقاء سلامت.



## مقدمه

امروزه مسأله تغییر جنسیت نه تنها از نظر پزشکی مورد توجه است بلکه به لحاظ مباحث حقوقی نیز حائز اهمیت است. گرچه در گذشته کم و بیش این مباحث وجود داشته ولی اکنون با پیشرفت تکنولوژی و علم پزشکی ابعاد جدیدتری را در فرا روی ما گشوده است (امامی، ۱۳۹۲: ۴۱). به دلیل گسترده عوامل، رویکرد، گونه‌ها، آثار فقهی، حقوقی؛ برآیندهای روحی و روانی، اخلاقی و فرهنگی تغییر جنسیت، این پدیده از مسائل میان‌رشته‌ای سه دانش اخلاق، پزشکی، فقه و حقوق به شمار می‌رود و از همین رو محور گفت‌وگوی علما این سه حوزه قرار گرفته و در هر دانشی موافقان و مخالفان و پرسش‌هایی را بر تافته است. تغییر جنسیت به عنوان یک پدیده نوظهور سؤال‌های فراوانی را از نظر فقهی و حقوقی مطرح ساخته است که عمدتاً با حقوق خانواده همانند بقاء یا عدم بقای نکاح پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، مسئله نفقه، مهریه، ارث و ولایت و سرپرستی و مهم‌تر از همه جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت مرتبط می‌باشد که نیاز است برای آن‌ها جواب‌های را بیان کرد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۱۶). یا طیف وسیع عوامل، رویکردها، انواع، آثار فقهی، حقوقی، نتایج روحی و روانی، اخلاقی و فرهنگی تغییر جنسیت، این پدیده یکی از موضوعات میان‌رشته‌ای سه علم پزشکی، اخلاق، فقه و حقوق به شمار می‌آوردند و از این رو کانون بحث در میان اندیشمندان این سه حوزه قرار گرفته است و در هر علمی موافقان و مخالفان و سؤال‌هایی را مطرح کرده است. تغییر جنسیت عمدتاً به حقوق خانوادگی مربوط می‌شود از جمله بقاء یا عدم بقای ازدواج بعد از تغییر جنسیت یکی از همسران، نفقه، ... و مهم‌تر از آن مربوط به جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت است که باید پاسخ داده شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۱۶). در سرتاسر تاریخ و در نظام‌های مختلف حقوقی هدف قانون و قانون‌گذار حمایت از حقوق افراد و سعی در ایجاد برابری میان آن‌ها بوده است. قانون‌گذار در مواردی و به مناسبت وضعیت خاص افراد، حمایت‌های ویژه‌ای از آنان به عمل آورده است. افراد تراجنسیتی افرادی هستند که از ساخت آناتومیک بدن خود ناراضی‌اند این افراد هویت جنسیتی خود را با جنسیت فیزیکی و ظاهری خویش، هماهنگ و یکسان نمی‌بینند و خود را متعلق به جنس مخالف می‌دانند. این افراد را می‌توان در دسته افرادی قرار داد که دسترسی‌شان به حقوق مساوی با دیگر آحاد جامعه در بخش‌های مختلف اجتماعی، نیازمند یاری از سوی قانون‌گذار است؛ هویت جنسی خاص این افراد و اقلیت آنان در جامعه موجب شده است که در جامعه با این افراد همانند دیگر افراد برخورد نشود و آن‌ها در دسترسی به حقوق افراد جامعه با مشکل مواجه شوند تبعیض در برخورداری از حقوقی همچون ورود به مدرسه، ورود به مکان‌های عمومی اشتغال در شغل‌های عمومی یا خصوصی، شکستن حریم خصوصی این افراد، به بهانه‌های مختلف پزشکی یا روان‌شناسی و عدم حمایت از سوی دولت در برطرف کردن مشکل خود از طریق عمل جراحی و ... نمونه‌های کوچکی از مشکلات بی‌شمار این افراد در دسترسی به حقوق تعریف شده برای انسان در جوامع متمدن است. به تدریج و با افزایش تعداد تراجنسیتی‌ها و قبول تدریجی این افراد در جوامع قانون‌گذاران سعی کردند با تصویب قوانین مختلف، از حقوق این افراد حمایت بیشتری به عمل آورند؛ البته پایه‌گذار این قوانین، در قوانین داخلی کشورها اسناد بین‌المللی بودند که در حمایت از این افراد تصویب شدند.

## ۱- مفهوم فقهی حقوقی تغییر جنسیت

واژه تغییر جنسیت در مفهوم اعم و گسترده آن، شامل تبدیل مرد به زن، یا تبدیل زن به مرد است. در فقه و حقوق، واژه تغییر جنسیت با معنای لغوی آن و آنچه که در میان مردم شایع است، تفاوت چندانی ندارد و منظور از آن اصلاح آلت تناسلی است، به گونه‌ای که جنس مرد به زن و یا زن به مرد تبدیل گردد و نیز تبدیل خنثی و یا دوجنسی به یکی از دو جنس مرد یا زن به



معنای تغییر جنسیت است. در یک کلام می توان گفت هرگونه تبدیل، اصلاح و یا تغییر که در جنس فرد به وجود آید، به گونه ای که وضعیت فعلی او از نظر زن یا مرد بودن با حالت سابق او دارای تفاوت باشد، عنوان تغییر جنسیت صادق است. عده ای از فقیهان تغییر جنسیت را شامل تبدیل مرد به زن و برعکس می دانند و درباره تغییر جنسیت فرد خنثی به مرد یا زن اظهار نظر نکرده اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ش: ۲۱۵۴).

فقهایی که درباره تغییر جنسیت سخن گفته اند، معمولاً درباره معنای فقهی آن سخنی بیان نکرده اند و در حقیقت منظور آن بزرگواران از این لفظ، همان معنای لغوی و عرفی تغییر جنسیت بوده است. البته در فقه امامیه برخی از فقها از تغییر جنسیت تعریفی ارائه نداده اند. شاید دلیل این امر بدهت و وضوح معنای این اصطلاح باشد. در این حالت، منظور فقهاء از تغییر جنسیت، همان معنای موجود در نزد عرف است یعنی تبدیل مرد به زن یا تبدیل زن به مرد. برخی از فقیهان در تعریف واژه فوق، تنها به تبدیل مرد به زن بسنده کرده اند و از تبدیل زن به مرد سخنی به میان نیاورده اند که البته به نظر می رسد که این نوع اخیر نیز مدنظر آنان بوده است، هر چند تصریح بدان نشده است (مدنی تبریزی، ۱۴۱۸ ق: ۱۴۹).

## ۲- حمایت های حقوقی پس از تغییر جنسیت

### ۲-۱- حمایت از حق بر حریم خصوصی افراد تراجنسی در ایران

در قانون ایران به نوعی مواردی از حریم اطلاعاتی و جسمانی افراد مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴، در ماده پنج خود تعرض به حریم خصوصی افراد به بهانه اجرای امر به معروف یا نهی از منکر را به صراحت کرده است. همچنین اصل ۲۲ ق.ا مقرر می دارد: «حیثیت و جان اشخاص از تعرض ممنوع است، هر چند به صورت صریح در قانون اساسی به حریم خصوصی جسمانی اشاره ای مضمون نشده است». شاید بتوان با تفسیر کلمه حیثیت و جان حریم خصوصی جسمانی را مشمول حمایت های قانون اساسی دانست. اگرچه قانون مدونی که به صراحت در مورد تمامیت جسمانی و رعایت حریم خصوصی افراد تراجنسیتی بپردازد در حقوق موضوعه ایران وجود ندارد در عمل مشاهده می شود که این کشورمان مورد احترام واقع شده است پس از مشروع خواندن عمل تغییر جنسیت از سوی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۶ افراد تراجنسیتی می توانند پس از گذراندن مراحل پزشکی، جنسیت خود را تغییر دهند. این افراد پس از گذراندن چند آزمون و نظر مثبت کمیسیونی در مورد تراجنسی بودن خود، براساس بند ۱۸ ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، درخواست تغییر جنسیت را در قالب یک دادخواست به دادگاه خانواده تقدیم دارند (کریمی نیا، ۱۳۹۹: ۱۰۳).

هم اکنون و در کشور خودمان به پیروی از شناسایی حق تغییر جنسیت برای افراد تغییر مشخصات شناسنامه آنان نیز به رسمیت شناخته شده است، همان گونه که مدیرکل ثبت احوال استان تهران اعلام کرد در شناسنامه جدید دو جنسی ها تغییر جنسیت آنان ثبت نمی شود. ایشان در این زمینه گفته اند در صفحه توضیحات شناسنامه این گونه افراد فقط تغییر نام ثبت می شود، حتی جزییات تغییر نام که از چه نامی به چه نامی تغییر کرده است در شناسنامه جدید آورده نمی شود و در صورت حکم دادگاه ثبت احوال هیچ مشکلی در خصوص صدور مجدد شناسنامه برای دو جنسی ها ندارد (کریمی نیا، ۱۳۹۹: ۱۰۳).

### ۲-۲- حق برخورداری از هویت پس از تغییر جنسیت





یکی از مسائلی که از اهمیت ویژه‌ای در رابطه با اصلاح جنسیت برخوردار است، حق بر نام اشخاصی است که تغییر جنسیت داده‌اند. طبیعی است اشخاص مزبور مایلند پس از چنین عملی نامی را برای خود انتخاب کنند که متناسب با جنسیت جدید آن‌ها باشد.

قبل از بحث درباره حق اشخاص در مورد اصلاح شناسنامه، باید اول ماهیت حقوقی شناسنامه روشن گردد که آیا آن ثبت یک واقعه تاریخی است یا معرف و بیانگر هویت حقوقی شخص در جامعه بشری است. ماده ۱ قانون ثبت احوال، اصلاحی ۱۳۶۸، که در آن مقرر شده است: وظایف سازمان ثبت احوال کشور به قرار ذیل است: الف) ثبت ولادت و صدور شناسنامه... مؤید این است که شناسنامه معرف هویت حقوقی شخص است، زیرا در این ماده ثبت ولادت در کنار صدور شناسنامه، دو وظیفه از وظایف سازمان ثبت احوال شمرده شده است و آن دو از یکدیگر متمایز شده است و این دو کاملاً منطبق بر یکدیگر نیستند، زیرا شناسنامه علاوه بر در برداشتن تاریخ تولد فرد، در بردارنده نام و نام خانوادگی است که فوایدی از قبیل اثبات وضعیت شخص، تأمین دلیل، شناسایی وضعیت و احوال شخصیه افراد، بر وجود شناسنامه مترتب شده است (صفایی و قاسمزاده، ۱۳۹۱: ۶۳). به طور خلاصه می‌توان گفت که شناسنامه یکی از اسناد هویتی در ایران است که سازمان ثبت احوال کشور موظف است آن را برای هر شهروند ایرانی صادر کند. شناسنامه در دو صورت باطل می‌شود، یکی ترک تابعیت ایران و دیگری فوت.

#### ۲-۳- حق برخورداری از ازدواج بعد از تغییر جنسیت

حق بر ازدواج از جمله حقوق اولیه‌ای است که افراد انسانی از آن برخوردارند. بنابراین باید دید آیا اشخاصی که مبادرت به تغییر جنسیت می‌کنند نیز از چنین حقی پس از برخورداری از جنسیت جدید (و با جنس مخالف) برخوردار خواهند بود؟ در حقوق ایران مقررات خاصی در این خصوص وجود ندارد و به نظر می‌رسد رویه خاصی نیز در این خصوص موجود نمی‌باشد. این در حالی است که به‌عنوان مثال در حقوق انگلستان در سال ۱۹۷۰ در یک پرونده یک خانم خنثی با مردی ازدواج کرد و بعد خواستار طلاق خویش از دادگاه شد. قاضی رسیدگی کننده به پرونده، درخواست طلاق را رد و استدلال کرد که او قابل طلاق نیست، زیرا مفهوم مؤنث به فهم هر شخص معمول و متعارف شامل خنثی نمی‌شود. بنابراین، ازدواج صحیحاً منعقد نشده که زوجه قابل طلاق باشد. این پرونده، قضات انگلیسی را در موارد ازدواج شخص تغییر جنسیت داده، در سی سال گذشته راهنمایی کرده است (باریکلو، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

بنابراین اگر کارشناسان تشخیص دهند که خنثی اعم از مشکل دار و غیرمشکل متعلق به جنسیت معین است، به طریق اولی و با توجه به ادله صحت شهادت، می‌توان حکم به تعلق آن شخص به جنسیت مورد نظر کارشناسان داد و در نتیجه می‌تواند از حق ازدواج با جنس مخالف و سایر حقوق بهره مند شود.

#### ۲-۴- حق برخورداری از ارث والدین

اثر تغییر جنسیت برای فرزندان و والدین متفاوت است. فرزندی که جنسیت خود را تغییر بدهد بر اساس جنسیت زمان فوت والدینش ارث می‌برد. اگر یکی از والدین فوت کند در این صورت پسر زمان فوت دو برابر دختر زمان فوت ارث می‌برد. پس اگر دختری به جنس پسر تغییر جنسیت داده باشد دو برابر زمان سابقش ارث می‌برد؛ بنابراین جنسیت زمان فوت والدین در نظر گرفته می‌شود. اگر والدین تغییر جنسیت بدهند و بعد از آن فرزندان فوت کنند سهم الارث والدین بر مبنای جنسیت آن‌ها در زمان انعقاد نطفه تعیین می‌گردد. بنابراین جنسیت جدید ملاک و مورد نظر نخواهد بود. در این قسمت به صورت کامل‌تر به بررسی این موارد پرداخته می‌شود:



اگر فرزندی تغییر جنسیت بدهد در این حالت جنسیت فعلی فرد ملاک در میزان سهم الارث قرار می‌گیرد. بدین صورت که اگر دختری تغییر جنسیت دهد و به پسر تبدیل شود و یکی از پدر یا مادر او بمیرد، جنسیت جدید یا فعلی فرد ملاک قرار می‌گیرد پس پسر فعلی دو برابر دختر فعلی ارث می‌برد و جنسیت سابق فرد منتفی است و همچنین بر عکس آن صادق است اگر پسری به دختر تبدیل شود به سهم دختران ارث می‌برد. در سایر طبقات ارث نیز به همین صورت می‌باشد. پس اگر به دختر تغییر جنسیت بدهد اگر در طبقه اول است عرفاً دختر میت، اگر در طبقه دوم است، خواهر میت و اگر در طبقه سوم است عمه یا خاله میت محسوب می‌شود و سهم الارث جنسیت مؤنث به او تعلق می‌گیرد. و یا برعکس آن دلیل آن این است که فرد برابر با عنوانی که اکنون به او صدق می‌کند ارث می‌برد، زیرا دلیل‌های ارث مقدار آنرا بر مرد بودن یا زن بودن و یا عناوین وابسته به آن دو مترتب کرده‌اند و ظاهر این دلیلها نشان می‌دهد که مقصود کسانی است که این ویژگی‌ها را داشته باشند و این عنوان‌ها در هنگام مرگ مورث بر آنان صدق کند. (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

در حوزه ارث بری فرزندان تغییر جنسیت داده از والدین خویش از مطالب فوق چنین برمی‌آید که جنسیت زمان فوت والدین در نظر گرفته می‌شود و فرزندی که جنسیت خود را تغییر بدهد بر اساس جنسیت زمان فوت والدینش ارث می‌برد.

#### ۲-۵- حق برخورداری از ارث فرزند

والدین بر اساس موجبات نسبی و خویشاوندی از فرزند خود ارث می‌برند، حال اگر والدین تغییر جنسیت دهند، آیا در صورت فوت فرزندشان باز هم از او ارث می‌برند و رابطه توارث پابرجاست یا نه؟ در این خصوص دو نظریه وجود دارد، طبق نظریه اول والدین تغییر جنسیت داده، اصلاً از فرزند خود ارث نمی‌برند. هر گاه پدر یا مادر تغییر جنسیت بدهند و بعد از آن فرزند فوت کند آن‌ها از او ارث نمی‌برند و رابطه توارثی که سابقاً میان ایشان بوده بطور کامل قطع می‌گردد. به این دلیل که سهام مذکور در ارث برای پدر و مادر است و بر افراد فعلی نمی‌توان عنوان پدر یا مادر را اطلاق کرد. زیرا زن فعلی که پدر سابق باشد این فرزند را وضع حمل نکرده و نه عنوان پدر بر او صدق می‌کند و نه عنوان مادر و مرد فعلی نیز که مادر سابق باشد صاحب نطفه نیست و بر او نیز نه عنوان پدر و نه مادر صدق نمی‌کند. از این رو مرد و یا زن جدید نمی‌توانند از فرزندان خود ارث ببرند نه از حصه پدر می‌برند و نه از حصه مادر، هیچ دلیل شرعی نمی‌تواند برای ارث بردن آن‌ها مورد استفاده قرار بگیرد. و همچنین صدق عنوان پدری به باقی ماندن مردانگی و صدق عنوان مادری به باقی ماندن زنانگی بستگی دارد که بعد از تغییر چنین اطلاقی نمی‌توان کرد. اما مخالفان این نظریه این احتمال را بعید می‌دانند. چون تغییر جنسیت از موانع ارث محسوب نمی‌شود و در قانون مدنی ایران که متخذ از فقه امامیه است موانع ارث بطور واضح مشخص شده است. از جمله ماده ۸۸۰ بیان می‌کند (قتل از موانع ارث است...) و ماده ۸۸۱ نیز بیان می‌کند (کافر از مسلم ارث نمی‌برد...). همچنین در ماده ۸۸۲ و ۸۸۳ به مانع بودن لعان و انکار سببیت اشاره شده است. بنابراین نه در فقه امامیه و نه در قانون مدنی به مانع بودن تغییر جنسیت اشاره نشده است، پس والدین تغییر جنسیت داده می‌توانند از فرزند خود ارث ببرند و همین دلایل می‌تواند بر ارث بردن آن‌ها کفایت کند (دادودآبادی، ۱۳۹۷: ۱۳۷؛ جهانگیر، ۱۳۸۱: ۹۳).

نظریه دوم این است که والدین تغییر جنسیت داده از فرزند خود ارث می‌برند. اینکه به این نظریه که پدر و مادر تغییر جنسیت داده، ارث می‌برند قائل شویم شایسته‌تر است. زیرا بر طبق روایات معتبر میراث میت، تنها از آن نزدیکترین خویشاوندان اوست (باریکلو، ۱۳۸۲: ۱۰۸).



در جمع بندی دو نظریه فوق باید گفت که گروهی بر این عقیده<sup>۶</sup> اند که والدین تغییر جنسیت داده، به دلیل این که نمی توانند عنوان پدر یا مادر را داشته باشند و سهام مذکور در ارث برای پدر و مادر است لذا اصلاً از فرزند خود ارث نمی برند ولی گروه دوم بر این دیدگاه هستند که پدر و مادر تغییر جنسیت داده، از اولاد خود ارث می برند به این دلیل که موانع ارث که در قانون مشخص شده است، تغییر جنسیت جز آن موانع نمی باشد و همچنین طبق آبان و روایات که ارث میت به خویشان میت می رسد.

## ۲-۶-۲- حق بر خورداری از نفقه

### ۲-۶-۲-۱- تأثیر تغییر جنسیت والدین بر نفقه زوجه و اولاد

در مورد نفقه زوجه بعد از تغییر جنسیت، باید گفت بواسطه انحلال نکاح نفقه هم که یکی از آثار عقد نکاح می باشد خود به خود از بین می رود. اما مسئله نفقه اولاد و اقرباء می بایست مورد بررسی قرار گیرد. قانون مدنی به موجب موارد ۱۱۹۹ و ۱۲۰۰ پرداخت نفقه اولاد را بر عهده پدر گذاشته و مقرر کرده نفقه ابوبن هم با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و الاود الاود است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

بنابراین می توان گفت که باتوجه به اینکه اصل و مبنای پرداخت نفقه همسر ملاک وضعیت فعلی شخص است، به زنی که تغییر جنسیت داده است نفقه تعلق نمی گیرد چون زوجیت منتفی شده است. لیکن در خصوص کودکان تغییر جنسیت، هیچ تأثیری بر وجوب پرداخت نفقه فرزندان ندارد.

### ۲-۶-۲-۲- تغییر جنسیت پدر و تکلیف نفقه فرزندان

در مورد مردی که صاحب اولاد و اقربایی است که استحقاق نفقه دارند با تغییر جنسیت و تبدیل شدن به زن، و تکلیف به پرداخت نفقه افراد مذکور دو احتمال وجود دارد: احتمال اول- تغییر جنسیت پدر، موجب سقوط کلیه تکالیفی می باشد که برای جنسیت سابقش وضع گردیده است. اگر این گونه باشد، تکلیف پرداخت نفقه فرزندان نیز ساقط می گردد (صفایی، ۱۳۹۲: ص ۶۳). در توجیه این احتمال می توان گفت اموری از قبیل ولایت و وجوب انفاق بنابر روایات ابتدا از تکالیف پدر و اولاد ذکور می باشد و هرگاه رجولیت افراد مذکور بواسطه تغییر جنسیت از بین برود، تکالیف سابق من جمله الزام به انفاق هم از بین می رود.

### ۲-۶-۲-۳- تغییر جنسیت مادر و تکلیف نفقه فرزندان

در مرحله نخست، انفاق به فرزندان، وظیفه پدر و جد پدری می باشد و در صورت نبود یا عدم توانایی پدر و جد پدری به انفاق فرزندان، این وظیفه بر عهده مادر است. در رابطه با این موضوع دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: براساس فرض، پرداخت نفقه بر عهده مادر است و در حال حاضر پس از تغییر جنسیت، از صفت «زن بودن» و «مادر بودن» خارج گردیده است. از این رو، وجوب پرداخت نفقه ساقط می شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

احتمال دوم: با وجود این که مادر از صفت «زن بودن» خارج شده اما از صفت مادر بودن خارج نشده و عرفاً در جامعه نیز او را مادر می دانند؛ هر چند که تغییر جنسیت داده و تبدیل به مرد شده است. بنابراین، مادر با تغییر جنسیت، پدر نمی شود که تکالیف مادری اش از او ساقط شود و تکلیف مادری بعد از تغییر جنسیت نیز پابرجا بوده و همچنان به تأمین مخارج فرزندان در این فرض مکلف می باشد (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۸۵).

با توجه به دو نظریه فوق به نظر می رسد مادر در صورتی که تغییر جنسیت بدهد، ولایت بر اولاد صغار پیدا نمی کند. مادر به محض تغییر جنسیت، پدر نمی شود بلکه همچنان عنوان مادر بر او اطلاق می گردد. بر همین اساس می توان گفت که مادر در صورت تغییر جنسیت تکلیفی به پرداخت نفقه فرزندان خود ندارد.





## ۷-۲- مهریه و تغییر جنسیت

مطابق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.» بنابراین، مالکیت زوجه بر مهریه، از زمان عقد مستقر می‌شود.

### ۷-۲-۱- تغییر جنسیت قبل از وقوعه (نزدیکی)

اگر بعد از انعقاد عقد ازدواج (نکاح) و قبل از برقراری رابطه جنسی بین زوجین، به علت تغییر جنسیت یکی از آنان، نکاح منحل گردد؛ تکلیف مهریه تعیین شده و پرداخت شده چیست؟ آیا باید تمام مهر پرداخت شده مسترد گردد و یا نصف مهر برمی‌گردد؟ آنچه مسلم است، انحلال ازدواج، خصوصیات طلاق قبل از وقوعه را ندارد تا نصف مهریه در مالکیت زن مستقر گردد و مشابه فسخ نکاح نیز محسوب نمی‌گردد تا نصف مهرالمسمی در مورد عنن به زوجه و عدم تعلق مهریه به زوجه در سایر موارد انحلال به علت فسخ، قابل تصور باشد. ولی با توجه به اینکه تعیین و پرداخت مهرالمسمی به منظور تشکیل و ادامه خانواده است و در تغییر جنسیت، ازدواج باطل (منحل) خواهد شد و خانواده منتفی می‌گردد (باریکلو، ۱۳۸۲: ۸۹۸).

بنابراین، علت تعیین مهر و پرداخت آن از بین رفته است و یا انتفای علت، موضوع مهر نیز منتفی است و در صورت پرداخت مهر، باید مسترد و اگر در این جریان، ضرری به یکی از آنان وارد شده باشد و بین عمل تغییر جنسیت و ضرر مسلم وارده، رابطه سببیت وجود داشته باشد، از طریق مراجع قضایی قابل مطالبه است. در نتیجه هرگاه زوجین، هم زمان یا در دو زمان، قبل از وقوعه، تغییر جنسیت دهند، مهر ساقط خواهد شد.

### ۷-۲-۲- تغییر جنسیت بعد از وقوعه (نزدیکی)

هرگاه یکی از زوجین بعد از برقراری رابطه جنسی و وقوعه، تغییر جنسیت بدهد، در این صورت نیز ازدواج منحل می‌گردد و رابطه زوجیت ادامه پیدا نخواهد کرد و چون قبل از تغییر جنسیت، ازدواج اعتبار قانونی و شرعی داشته است؛ زوجین در برابر یکدیگر حقوق و تکالیف قانونی و شرعی دارند. بنابراین، وقوعه بین آن‌ها کاملاً براساس مقررات و ضوابط قانونی صورت گرفته است و آثار حقوقی بر اقدام مزبور مترتب خواهد بود. اکنون اگر مردی یا زنی ازدواج کند و بعد از نزدیکی، تغییر جنسیت بدهد؛ تمامی مهرالمسمی بر ذمه وی مستقر گردیده و اگر قبلاً آن را به زوجه خود نپرداخته، مکلف به پرداخت آن است و اگر به هنگام ازدواج، مهر تعیین نشده باشد و یا به شرایط عدم مهر، عقدنکاح منعقد شده باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

به نظر می‌رسد طبق قاعده «الناس مسلطون علی انفسهم» همان گونه که برخی از فقها برای صحت فروش اعضای بدن به آن استناد کرده و معتقدند چون این قاعده مبین سلطه مردم بر مالشان است در نتیجه همان گونه که مردم حق دارند در مالشان هر تصرفی بکنند می‌توانند در بدن خود نیز هر نوع تصرفی را که بخواهند انجام دهند و یکی از تصرفات مجاز به استناد این قاعده تغییر جنسیت است و همچنین قاعده اضطرار که بنا بر ادله واصله شرعی اعم از آیات و روایات، هرگاه مکلف به واسطه قرار گرفتن در شرایط خاصی ناچار به انجام فعلی گردد که در حالت عادی ممنوع و حرام است مواخذه و عقاب نمی‌شود، بلکه فعل ممنوع مباح و جایز می‌گردد. از قاعده عسر و حرج نیز می‌توان مشروعیت مشروط تغییر جنسیت را استنباط کرد. در دین اسلام حکم حرجی تشریح نشده است و لذا چنانچه از ناحیه هر حکمی حرج و مشقت لازم آید، این حکم منتفی و از صفحه تشریح مرفوع است. شخصی که بقا در جنسیت فعلی موجب عسر و حرج برای او است، به استناد قاعده عسر و حرج باید بتواند تغییر جنسیت دهد. استناد به قاعده مزبور تنها با وجود عسر و حرج جایز می‌شود که این امر باید به تأیید پزشک متخصص برسد بر اساس این دو قاعده شاید بتوان گفت زوجی که عقد نکاح با همسر خود نموده و به محض عقد نکاح مهر بر عهده زوج مستقر



می‌گردد و علاوه بر عقد بستن نزدیکی نیز نموده است پس مهر تا اینجا بر عهده زوج ثابت است و بعد از نزدیکی اگر زوجه تغییر جنسیت بدهد دلیلی بر سقوط مهر نخواهد بود.

### ۲-۷-۳- مسأله مهریه در صورت عدم کسب رضایت شوهر در تغییر جنسیت

چنانچه تغییر جنسیت از سوی زن و بدون اجازه شوهر صورت بگیرد؛ هیچ چیزی بر شوهر لازم نمی‌شود مطلقاً چه دخول شده باشد چه نشده باشد. دلایل معتقدین به این نظریه این است که شوهر اقدام به ازدواج نموده و مهریه را به زوجه می‌پردازد به این امید و هدف که همسرش با او زندگی کند. وقتی زن بواسطه تغییر جنسیت خود را از زوجیت خارج می‌سازد، یک ضرر مالی بر شوهر وارد می‌کند که ضامن آن است. بنابراین اگر قبل از تغییر جنسیت مهریه را دریافت کرده باشد، باید تمام آنرا به شوهر مسترد گرداند و اگر دریافت نکرده حق، دریافت آنرا ندارد و گرفتن آن جایز نیست (کریمی نیا، ۱۳۹۰: ۶۹).

اما نظریه حقوقدانان در این زمینه متفاوت است و اگر تغییر جنسیت بعد از آمیزش انجام شود، باتوجه به اینکه از لحاظ پزشکی فقط افراد دارای مشکل جنسی با تأیید متخصصین مربوط می‌توانند تغییر جنسیت دهند، چون زندگی در جنسیت مؤنث برای زوجه مشکل بوده، اقدام به تغییر جنسیت کرده است. حال اگر بدون اطلاع ندادن وضعیت خود به زوج موجب فریب او شده است در نتیجه اگر بخواهد از زوج مطالبه مهر کند، زوج نیز به استناد قاعده غرور، حق مراجعه به او را خواهد داشت و به استناد تهاتر، دو دین طرفین نسبت به یکدیگر ساقط می‌گردد. اگر تغییر جنسیت با رضایت زوج انجام شود، هرچند قاعده غرور حاکم نمی‌شود و ظاهر این است که زوجه از حق مطالبه تمام مهر متمتع است، ولی این ظاهر با سیره عقلا منافات دارد. زیرا بر مبنای سیره عقلا جنسیت مؤنث به علت تمکین، مستحق دریافت مهر است در حالی که در فرض مورد بحث، خواهان مهر در زمان مطالبه مذکر است.

همان گونه که در روایت مربوط، که در فصل اول بیان شد، حضرت امیرالمؤمنین (ع) با آنکه شخص با پسرعموی خود ازدواج کرده و با آمیزش فرزند بوجود آمده بود بدون الزام زوج به پرداخت مهر، زوجه را به مردان ملحق کردند. بنابراین با توجه به این روایت و سیره مسلم عقلا مبنی بر اینکه فقط جنسیت مؤنث مستحق دریافت مهر است، می‌توان نتیجه گرفت که در این فرض زوجه سابق و مرد فعلی حق دریافت مهر از زوج سابق را ندارد (حسینی ایجی، ۱۳۹۶: ۵۲؛ باریکلو، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

در توضیح نظریه فوق اینطور به نظر می‌رسد که براساس ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، مقتضای عقد ازدواج این است که زن به مجرد عقد، مالک جمیع مهریه می‌شود و فرض هم این است که زن با اقدام به تغییر جنسیت، در حقیقت مالی را از شوهر تلف نکرده است. به طور مثال ملکی را تصرف نکرده یا باغی را ویران نساخته بلکه با مجوز شرعی صرفاً تغییری در بدن خود ایجاد کرده است. در نتیجه همان طوری که اگر زن از دنیا می‌رفت، مهریه ساقط نمی‌شد، در این فرض نیز مهریه ساقط نمی‌شود. بنابراین شوهر به طور مطلق باید تمام مهر را بپردازد، چه تغییر جنسیت قبل از دخول انجام شده باشد یا بعد از آن و چه زن از شوهرش اجازه گرفته باشد یا خیر.

### ۲-۸- حق حضانت فرزندان

بعضی از حقوقدانان در تعریف حضانت گفته‌اند حضانت پرورش اطفال است بوسیله پدر و مادر و اراقاب او که هم حق است و هم تکلیف برای متنع از حضانت، پرورش نیز، هم از لحاظ مادی است و هم از لحاظ معنوی و اخلاقی (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۶۶۶). فقهای امامیه نیز در کتاب نکاح در تعریف حضانت آورده‌اند که حضانت ولایت و سلطنت بر تربیت طفل و متعلقات آن از قبیل نگهداری کودک و گذاردن او در بستر به شستن جامه‌های او و مانند آن است (زین الدین بن علی، بی تا، ج ۵: ۲۵۱).





دو حالت برای حضانت فرزندان در صورت تغییر جنسیت دادن پدر و یا مادر که حضانت فرزندان به او سپرده شده است، قابل تصور است:

صورت اول: هرگاه مادر در مدتی که حضانت طفل را برعهده دارد تغییر جنسیت دهد و مرد شود با توجه به تعاریفی که فقها و حقوقدانان در مورد حضانت کرده‌اند. در واقع حضانت راهکاری است در جهت حمایت بیشتر والدین از اطفال پرورشی که بیشتر از هر زمانی نیازمند حمایت‌های خانوادگی می‌باشند و این امر با توجه به وضعیت کودک در سنین اولیه که نیاز بیشتری به وجود مادر در کنار خود دارد به مادر سپرده می‌شود و بعد از سپری شدن این مدت حضانت با پدر است. از آنجا که موضوع تعلق حق حضانت در سال‌های اولیه زندگی کودک، مادر بودن است لذا هرگاه مادر به واسطه تغییر جنسیت تبدیل به مرد شود عنوان مادری دیگر بر او صادق نیست و او نمی‌تواند نیازهای عاطفی و جسمانی کودک را با صفات خاص مادری که در وجود زن است برآورده کند، پس هیچ دلیلی برای ادامه اهلیت حضانت در مرد فعلی وجود نخواهد داشت (بهشتی، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

طبق مطالب فوق، اگر مادری تغییر جنسیت بدهد به دلیل اینکه دیگر عنوان مادر بودن بر او صدق نمی‌کند حق حضانت او ساقط می‌گردد.

قانون مدنی ایران در مواد ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۶ صریحاً حق حضانت را در سال‌های اولیه به مادر واگذار کرده است به‌عنوان مثال ماده ۱۱۶۹ مقرر می‌دارد برای نگهداری طفل، مادر تا دو سال از تاریخ ولادت اولویت خواهد داشت پس از انقضاء این مدت حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال ۷ حضانت آن‌ها با مادر است. از مفاد قانونی نیز به وضوح استفاده می‌شود که قانون‌گذار مادر بودن را شرط اصلی حضانت طفل در سال‌های اولیه می‌داند و هرگاه این عنوان به هر دلیلی ساقط شود بالتبع حق حضانت نیز از بین می‌رود.

صورت دوم: هرگاه پدر در مدتی که حضانت طفل به او سپرده شده است تغییر جنسیت دهد در مورد این صورت دو دیدگاه ارائه شده است. دیدگاه اول: حق حضانت پدر به واسطه تغییر جنسیت به زن ساقط می‌شود.

در توجیه این دیدگاه این‌طور بیان شده است که عنوان هم در این صورت تغییر کرده است و هیچ دلیلی نیز برای تداوم اهلیت در زن فعلی وجود ندارد و جای استصحاب هم نیست زیرا موضوع عوض شده است. بنابراین بی‌تردید حضانت پدر بعد از تغییر جنسیت ساقط می‌گردد و در صورت وجود مادر حضانت طفل به او سپرده می‌شود. در قانون مدنی با توجه به مصلحت طفل، امکان سلب حضانت از کسی که اصولاً باید دارای اولویت باشد وجود دارد (ماده ۱۱۷۳ ق.م). هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحلال اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد. محکمه می‌تواند بر تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصحیحی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند (خرازی، ۱۳۸۹: ۳۵۰).

با دقت در این ماده نیز این معنا استنباط می‌شود که تغییر جنسیت پدر به زن علاوه بر اینکه عنوان پدر بودن را منتفی می‌کند از جهاتی هم می‌تواند روند سرپرستی طفل را به مخاطره بیندازد. مثلاً هرگاه پدری که به جنسیت زن درآمده با مردی ازدواج کند مسلماً در این شرایط، مادر مطلقه طفل از صلاحیت بیشتری نسبت به پدر سابق برخوردار است و واگذاری طفل به او از دید عقلا و تربیتی بهتر و نیکوتر خواهد بود (خرازی، ۱۳۸۹: ۳۵۰).

### ۳- حمایت‌های کیفی از دیه اشخاص تراجنسیتی

مواد ۳۸۲ و ۳۸۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در خصوص قصاص مرد در صورت ارتکاب جنایت عمدی بر نفس یا مادون



نفس مرد علیه زن می‌باشد. با این شرط که اولیای دم زن و یا مجنی علیه زن باید قبل از قصاص نصف دیه مرد و یا در جنایت بر عضو در صورتی که دیه‌اش ثلث یا بیش از ثلث دیه مرد باشد، باید نصف دیه آن عضو را بدهد. حال تغییر جنسیت هر یک از جانی و مجنی علیه باعث تردید در صدور حکم و اجرای آن می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

اگر جانی تغییر جنسیت دهد؟ اگر زنی، علیه زن دیگر مرتکب جنایت عمدی شود و بعد از ارتکاب و قبل از اجرای مجازات قصاص، زن جانی به مرد تغییر جنسیت دهد، یا اگر مردی قبل از ارتکاب جنایت زن بوده و تغییر جنسیت داده باشد برای قصاص جانی، آیا اولیای دم مقتول و خود مجنی علیه باید نصف دیه‌ی زن تغییر جنسیت داده (مرد فعلی) را بپردازند؟ پاسخ مثبت است. زیرا اگرچه متقاضی استصحاب، عدم رد تفاضل دیه است، ولی از سوی دیگر، مقتضای اطلاعات قصاص مرد در مقابل زن، خلاف این استصحاب است و عرف نیز زن تغییر جنسیت داده (مرد فعلی) را مرد محسوب می‌کند. به همین دلیل، برای مقتول قصاص قاتل تغییر جنسیت داده، اولیای دم اصل دیه، را بپردازند. البته این نظر پذیرفتنی و با قاعده‌ی تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم نیز سازگار است. اگر مجنی علیه تغییر جنسیت دهد؟ اگر زنی با تغییر جنسیت، به مرد تبدیل شود و توسط مرد علیه اش جنایت عمدی وارد شود آیا برای قصاص لازم است که اولیای دم و یا مجنی علیه به جانی تفاضل دیه بدهند؟ پاسخ منفی است، زیرا با توجه به این که زن با تغییر جنسیت، تبدیل به مرد شده و در زمان ارتکاب جنایت مرد بوده و توسط مرد دیگری به قتل رسیده است، اطلاعات قصاص ایجاب می‌کند که چنانچه مردی مرد دیگری را به قتل برساند، بدون رد تفاضل دیه قصاص شود. حال اگر مجنی علیه در زمان ارتکاب جنایت مردی علیه او زن بوده ولی بعد از ارتکاب و قبل از صدور حکم تغییر جنسیت دهد و مرد شود آیا برای اجرای قصاص باید دیه‌ای به جانی پرداخت شود؟

در این خصوص برخلاف فروع فوق نظری از سوی فقها داده نشده است ولی با توجه به این که ملاک حکم قصاص و رد فاضل دیه نوع جنسیت در زمان ارتکاب جنایت است و مجنی علیه در زمان ارتکاب جنایت زن بوده، فلذا برای اجرای قصاص موظفانند که فاضل دیه را به جانی پرداخت کنند این حکم هم با تفسیر به نفع متهم سازگار است و هم جلوی سوءاستفاده‌ها گرفته می‌شود طبق قانون اساسی نیز هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش (تغییر جنسیت را وسیله اضرار غیر قرار دهد اصل چهلم قانون اساسی اکنون با توجه به مطالب بیان شده این گونه استنتاج می‌شود که تغییر جنسیت مانع از اعمال قصاص نمی‌شود و اگر فرد سالمی شخص تغییر جنسیت داده‌ای را به قتل برساند در صورت وجود شرایط قصاص می‌شود و تغییر جنسیت مقتول، تأثیری در قصاص ندارد و ملاک پرداخت یا عدم پرداخت تفاضل دیه جنسیت قاتل در حین اجرای مجازات قصاص و جنسیت مقتول در زمان ارتکاب جنایت ملاک است.

#### ۴- حمایت‌های مالی و بیمه از افراد تراجنسیتی بر دسترسی به بالاترین سطح سلامت

اصل ۲۹ قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد بر خورداری از تأمین اجتماعی ... نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی و دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات حمایت‌های فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند. همچنین ماده ۴ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳ بر وظیفه دولت مبنی بر تأمین خدمات درمانی برای همه افراد ملت تأکید می‌کند. تا چند سال پیش در ایران هیچ برنامه بیمه‌ای، هزینه‌های تغییر جنسیت افراد تراجنسیتی را تحت پوشش قرار نمی‌داد. به دلیل سنگین بودن هزینه‌های این عمل، افراد تراجنسیتی در اقدام به تغییر جنسیت دچار مشکل می‌شدند. همچنین به دلیل عدم پذیرش عرفی این عمل، افراد تراجنسیتی به شخص و محلی برای حمایت و راهنمایی در درمان خود دسترسی نداشتند. در سال‌های



اخیر تلاش‌هایی برای تحت پوشش قرار گرفتن این افراد، صورت گرفته است. در سال ۱۳۸۶ وزیر رفاه از اختصاص اعتبار برای شناسایی و درمان افراد دارای اختلالات تراجنسیتی سخن گفت. البته ایشان مشکل اصلی را شناسایی این افراد دانسته‌اند و اعتبار اختصاص یافته به این موضوع را به اندازه می‌دانند. هم اکنون عمل تغییر جنسیت و جراحی آن اگر در بیمارستان‌های دولتی انجام گیرد تحت پوشش بیمه واقع می‌شود و افراد بسته به نوع پوشش بیمه‌ای خود، می‌توانند از خدمات بیمه استفاده کنند (خرازی، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

#### ۵- حمایت اجتماعی از افراد تراجنسی در برابر تبعیض

به طور کلی در قانون اساسی ایران در موارد متعددی به منع تبعیض و حمایت برابر همه افراد در برابر قانون اشاره شده است. به طور خاص بند ۸ اصل ۳ قانون اساسی دولت را برای نیل به اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران به استفاده از همه امکانات خود برای رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه، برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی موظف کرده است و بند ۱۴ همین اصل، به تساوی عموم در برابر قانون اشاره کرده است. علاوه بر این اصول کلی قانون اساسی در اصول ۲۹ و ۳۰ به طور خاص حق برخورداری از تأمین اجتماعی و خدمات بهداشتی و درمانی و بیمه همگانی و آموزش رایگان را برای همه افراد ملت به رسمیت شناخته است. همان گونه که ملاحظه می‌شود افراد مشمول این اصول تمامی آحاد جمهوری اسلامی صرف نظر از نژاد و قوم جنس و... هستند و این دیدگاه نشأت گرفته از این نظریه است که کرامت انسانی مستلزم تساوی آنان در حقوق و آزادی‌های اساسی و رفع تبعیض براساس نفی هرگونه تعلقات عارضی به غیر از آنچه مربوط به صلاحیت و توانایی‌های اشخاص است می‌داند. بر اساس این تفسیر، افراد تراجنسیتی همانند سایر افراد ملت، از حمایت قانون برخوردارند و حق برخورداری کامل از حقوق اجتماعی سیاسی و اقتصادی را خواهند داشت. البته در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، قانون روشن و مشخصی در حمایت از این افراد در برابر تبعیض وجود ندارد و این خلاء در عمل مشکلاتی را برای این افراد در برخورداری از حقوق اجتماعی و دیگر حقوق به وجود آورده است. نگاه منفی جامعه به آن‌ها موجب خانه نشینی و افسردگی این افراد می‌شود. درحالی که امام خمینی (ره) در استفتایی وضعیت و هویت جنسیتی این افراد را از همجنس بازان متفاوت دانسته و با بینشی عمیق، وضعیت و مشکل ایشان را درک کرده‌اند ([www.imam-khomeini.ir](http://www.imam-khomeini.ir)). همچنین قانون اساسی زمینه قانونگذاری در این زمینه را فراهم آورده است، اما همچنان حقوقدانان بدین مسأله نپرداخته و افراد تراجنسیتی در انزای اجتماعی باقی مانده‌اند.

#### ۶- حمایت‌ها خانواده و نزدیکان از افراد ترنس

از جمله چیزهایی که به بروز بیشتر پدیده بحران هویت جنسیتی دامن می‌زند، نگاه منفی خانواده و خویشاوندان نسبت به رفتارهای متعارض فرد ترنسکشوال است.

خانواده و خویشاوندان این رفتارهای متعارض را به فرد از دوران بلوغ، گوشزد می‌کنند و با برخوردهای فیزیکی و کلامی با فرد دچار اختلال هویت جنسیتی مقابله می‌کنند. رفتارهای متعارض ترنسکشوال‌ها از دوران کودکی آغاز می‌شود اما در دوران بزرگسالی که ویژگی‌های زنان و مردانه آن‌ها برجسته‌تر می‌شود، این رفتارهای متعارض بیشتر شده و آن‌ها در تضاد بیشتر با خانواده و خویشان قرار می‌گیرند و به طور کلی، حمایت خانواده را از دست می‌دهند و گاه حتی از سوی خانواده طرد می‌شوند. البته خانواده‌ها در مقابل این رفتارهای در تعارض با جنسیت (پوشیدن لباس دخترانه توسط پسرها و لباس پسرانه توسط دخترها، استفاده پسرها از لوازم آرایشی، راه رفتن مردانه دخترها) معمولاً، استراتژی‌های متفاوتی در پیش می‌گیرند.





این استراتژی‌ها شامل گفتگو، خرید کالاهایی متناسب با جنسیت فرزندانشان در دوران کودکی (عروسک برای ترنس زن به مرد و ماشین برای ترنس مرد به زن)، تنبیه بدنی و در نهایت، طرد از خانواده و بیرون کردن فرزند از منزل در بزرگسالی است. والدین معمولاً تلاش می‌کنند با این راهکارها فرزند را از بحران خارج کنند، اما در بیشتر مواقع موفق نمی‌شوند و این امر زمینه‌ای را برای بروز و ظهور بیشتر پدیده مرکزی بحران اختلال هویت جنسیتی فراهم می‌کند (بابالو، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

### بحث و نتیجه‌گیری

با تغییر جنسیت، بسیاری از احکام شرعی و حقوقی فرد تغییر می‌یابد. از جمله احکام مربوط به ارث، عده، نفقه، وضعیت نکاح سابق و ... در حقوق ایران نیز هرچند تغییر جنسیت، نکاح را منحل می‌کند، ولی به طور کلی تأثیری در مهریه ندارد. همچنین تغییر جنسیت، نفقه زوجه در عقد دائم را ساقط می‌کند. زیرا حکم نفقه زوجه در عقد دائم، دایر مدار موضوع (نکاح) است و از آنجایی که نکاح دائم با تغییر جنسیت یکی از زوجین منفسخ می‌شود، انتفای موضوع نکاح انتفای حکم (نفقه) را به دنبال خواهد داشت. در خصوص سهم الارث فرد تغییر جنسیت داده از والدین خویش، ملاک، جنسیت فعلی اوست. از لحاظ زمانی، وضعیت وارث، حین فوت مورث، ملاک عمل خواهد بود.

### منابع

۱. امامی، اسداله. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه، انتشارات میزان، چاپ اول.
۲. بابالو، وحیده. (۱۳۹۵). بررسی تغییر جنسیت در ایران، سن پترزبورگ روسیه، کارشناس ارشد حقوق خصوصی.
۳. باریکلو، علیرضا. (۱۳۸۲). اندیشه‌های حقوقی (وضعیت تغییر جنسیت) شماره ۵.
۴. بهشتی، سید مهدی. (۱۳۸۵). بررسی احکام و آثار تغییر جنسیت در فقه و حقوق موضوعه. پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم.
۵. جهانگیر، منصور. (۱۳۸۱). قانون مدنی، چاپ یازدهم، نشر دیدار، تهران.
۶. حسینی ایجی، اسماعیل. (۱۳۹۶). تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، تهران، نشر برتر اندیشان، چاپ اول.
۷. خرازی، آیت اله سید محسن. (۱۳۸۹). تغییر جنسیت، فقه اهل بیت، بیست و سه.
۸. دادودآبادی، محمد. (۱۳۹۷). ارث و تغییر جنسیت، تهران، نشر رزا، چاپ اول.
۹. شهید ثانی، زین الدین علی. روضه البهیه فی شرح المعه الدمشقیه، ج ۸. حاشیه: سید محمد کلانتری، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۰. صفایی، سید حسین و امامی، اسداله. (۱۳۹۲). مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، چاپ اول.
۱۱. صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سید مرتضی. (۱۳۹۲). اشخاص و محجورین، تهران انتشارات سمت.
۱۲. فتاحی، حسین. (۱۳۹۵). مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، اندیشه و رفتار.
۱۳. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۴). قواعد عمومی قراردادها، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۴. کریمی نیا، محمدمهدی مجتبی انصاری مقدم. (۱۳۹۹). حقوق خانواده در تغییر جنسیت با تأکید بر دیدگاه امام خمینی، همایش تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی، دوره ۱.
۱۵. مدنی، تبریزی، آیت اله، سید یوسف. (۱۴۱۸). المسائل المستحدثة، قم: انتشارات دهقانی.
۱۶. مکارم شیرازی، آیت اله ناصر. (۱۳۷۷). استفتانات جدید. تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، چاپ سوم، قم: چاپخانه امیرالمؤمنین (ع).
۱۷. موسوی الخمینی. (۱۳۷۷). تحریر الوسیله، جلد دوم، ترجمه علی اسلامی، چاپ دفتر انتشارات اسلامی.



## Iran's Legal System's Support for Gender Change with a Health Promotion Approach

**Sonia Alizadeh Same**

Lecturer, Department of Criminal Law & Criminology, Shabestar Branch, Islamic Azad University  
Shebastar, Iran (Corresponding Author)

[Sonya.alizadeh@yahoo.com](mailto:Sonya.alizadeh@yahoo.com)

**Azize Ruhi Isalu**

M.A Student in Family Law, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shebastar, Iran

[Azizeruhi@gmail.com](mailto:Azizeruhi@gmail.com)

### Abstract

Transgender people, due to their rare gender identity, are exposed to social and legal inequalities, one of the most important human rights that these people are at a disadvantage in accessing is the prohibition of discrimination, privacy and access to the highest level of health. The mentioned rights are considered in international documents and the legal system of civilized countries. International documents in this field consider gender identity as an independent basis for protection against discrimination and explicitly support the right to privacy and access to health. In Iranian law, no law explicitly protects the rights of these people. The void of protective law in Iran's rights has caused this class to be excluded from the society and the need of the legislator to pay attention to these people is fully felt. The primary solution to support these people is to interpret the principles of the constitution in support of the inalienable rights of people, but the need to pass a special law and express the different dimensions of the rights of these people is clearly felt.

**Keywords:** Transgender, Support, Legitimacy, Health Promotion.